

# چالش‌های پیش‌روی چپ برزیل

ترجمه‌ی داود جلیلی

پیش‌کش به خسروصادقی بروجنی که به جای بودن پشت میز پژوهش و آموزش پشت میله‌های زندان است



## درآمد

حتی برای کسانی که سیاست برزیل را، به‌صورت سطحی دنبال می‌کنند، نمی‌تواند خبرجدیدی باشد که این کشور در بزرگ‌ترین بحران خود پس از پایان دیکتاتوری بومی - نظامی در دهه‌ی ۱۹۸۰، یا حتی - براساس نظر برخی - در کل تاریخ جمهوری برزیل از زمان خلع امپراتور پدرو دوم در ۱۸۸۹، به‌سر می‌برد. برزیل با رهبری رئیس‌جمهور راست افراطی، جایر بولسونارو، که از سال ۲۰۱۹ به این سو رسماً به هیچ حزب سیاسی وابسته نبوده بلکه هنوز بر حمایت اجتماعی و توافق طبقه‌ی حاکم کشور و نیروهای مسلح متکی است، با عقب‌نشینی‌های سیاسی و اجتماعی عظیمی مواجه است.

اگر پی‌آمدهای اجتماعی در پیش‌گرفتن یک پروژه‌ی نولیبرالی افراطی پیش از این کافی نبود، ظهور بیماری همه‌گیر ویروس کرونا به بدترین سناریوی اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی منجر شده است. غفلت دولت، زمانی که توجه به بیماری و علم می‌رسد از تعداد خالص (تلفات) آن آشکار می‌شود: تا آوریل ۲۰۲۱ در برزیل بیش از ۴۰۰ هزار نفر، یا روزانه ۳,۰۰۰ نفر از کووید-۱۹ درگذشته‌اند. با پدیداری انواع جدیدی از ویروس و فروپاشی سیستم بهداشت یک‌سال پس از اولین ضربه‌ی ویروس کرونا در برزیل در مارس سال ۲۰۲۰، این کشور به تهدیدی برای جهان تبدیل شده‌است.<sup>۱</sup>

با این حال، چپ برزیل - که در دهه‌ی گذشته در تمام مبارزه‌های سیاسی بزرگ شکست خورده است - درعین تلاش برای بازپس گرفتن نظارت سیاسی خود بر کشور، بازآرایی و بازسازی پایگاه اجتماعی خود را هدف گرفته است. ما چگونه به این وضعیت دچار شدیم؟ امکان‌های جلب‌توجه جامعه به راه خروج از بحران کدام‌اند؟

چهلمین شماره‌ی پرونده‌ی مؤسسه‌ی تحقیقات اجتماعی سه‌قاره (Tricontinental) چالش‌های پیش‌اروی چپ برزیل را در بسترسیاسی امروز مورد تحلیل قرار می‌دهد. این امر، در عمل، هم به‌خاطر تعداد نیروهای مترقی و تنوع در

<sup>۱</sup> اعداد رسمی برگرفته از اطلاعات وزارت بهداشت برزیل در تاریخ نگارش این سند در آوریل ۲۰۲۱

که در پیوند زیر در دسترس است:

میان آن‌ها و هم به خاطر پیچیدگی اوضاع سیاسی در برزیل کار ساده‌ای نیست. به همین دلیل، ما در این روند گفت‌وگو با نمایندگان متفاوت طبقه‌ی کارگر را برای کمک به خودمان انتخاب کردیم. از این رو ما با الیدا النا،<sup>۱</sup> معاون اتحادیه‌ی ملی دانشجویان (UNE) و عضو قیام مردمی جوانان (*Levante Popular da Juventude*)، جاندیرا اوهارا<sup>۲</sup> از هیئت مدیره‌ی مرکز کارگران متحد (CUT)، جولیانو مدیروس،<sup>۳</sup> دبیر ملی حزب سوسیالیسم و آزادی (PSOL)، کلی مافورت<sup>۴</sup> از هیئت مدیره‌ی جنبش کارگران بی‌زمین (MST)، گلیزی هافمان،<sup>۵</sup> سناتور و رئیس حزب کارگران (PT)، و والریو آرکاری<sup>۶</sup> استاد مؤسسه‌ی فدرال سائوپولو (IFSP) و عضو هیئت مدیره‌ی حزب سوسیالیسم و آزادی مصاحبه کردیم.

این پرونده به پنج بخش تقسیم شده است:

**بخش اول** ارزیابی مسیرهایی است که چپ برزیل در سال‌های اخیر دنبال می‌کند، **بخش دوم** گسیختگی‌ها و مصالحه‌های نیروهای راست را تحلیل می‌کند، **بخش سوم** ابزارهای تحکیم اتحاد را مورد بحث قرار می‌دهد، و **بخش چهارم** چالش‌های ایجاد پایگاه توده‌ای را به ارزیابی می‌نشیند.<sup>۷</sup> بالاخره، **بخش پنجم** روی

۱ - Élide Elena

۲ - Jandyra Uehara

۳ - Juliano Medeiros

۴ - Kelli Mafort

۵ - Gleisi Hoffmann

۶ - Valério Arcary

<sup>۷</sup> یادداشت مترجم انگلیسی: در این پرونده، اصطلاح *popular* وقتی منظور از آن توده‌ای یا از آن مردم است به *'popular'* ترجمه شده است. از آن جایی که ترجمه‌ی تحت‌اللفظی معمولاً همان روانی را ندارد در مواردی مثل *'working-class homes'* از اصطلاح طبقه‌ی کارگر استفاده کردیم و در اشاره به *classes populares* (طبقات کارگر یا بخش‌های طبقه‌ی کارگر) را به کار بردیم که نزدیک‌ترین جایگزین برای آن در این زبان است.

نقش برجسته‌ترین رهبر مردمی کشور، رئیس‌جمهور پیشین لوئیز ایناسیو لولا دسیلوا تأمل می‌کند.

تصویرهای استفاده‌شده در این پرونده بخشی از پروژه‌ی طراحی کنشگرایانه (*Design Ativista*) هستند، جمعی که در طی انتخابات ۲۰۱۸ با هدف ترویج خلق و توزیع هنر و اطلاع‌رسانی رایگان، مبارزه با اخبار جعلی، و حمایت از دموکراسی در برزیل پدیدار شد. در طی این دوره، این جمع به واگذاری آثار دیداری هنری فراخوان داد و مسابقه‌های طراحی و گردهم‌آیی‌های بزرگ را ترویج کرد که در این گردهم‌آیی‌ها نقش طراحی در کمک به ایجاد جامعه‌ای انسانی‌تر و دموکراتیک‌تر مورد بحث قرار می‌گرفت.



شمار مرگ‌های ناشی از کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۱ از کل تعداد مرگ‌ها در سال ۲۰۲۰ گذشته است. از اولین مورد در ۱۲ مارس تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰، تعداد کشته‌ها ۱۹۴،۹۴۹ نفر بود، امسال، تاکنون بیش از

۲۰۰ هزار نفر بوده است. تصویر: Leticia Ribeiro 2019

## ارزیابی وضعیت امروز چپ برزیل

براساس گفته‌ی سازمان‌های سیاسی و کارشناسان بسیاری از شکست‌هایی که چپ برزیل در سال‌های اخیر متحمل شده حاصل درک راهبردی است که بر این بخش حاکم بوده است. این نظریه به مبارزه‌ی نهادی تحت رهبری حزب کارگران (PT) در سیزدهمین سال در قدرت بودن آن، به‌زبان اصلاحات عمیق ساختاری که می‌توانست طبقه‌ی کارگر را با گشایشی برای تسخیر دولت برزیل آماده کند، اولویت داد.

بی‌تردید، سیاست‌های اجرایشده از سوی دولت‌های حزب کارگران به‌صورت گسترده‌ای زندگی بخش‌بزرگی از مردم برزیل را بهبود بخشید. در میان این اقدام‌های بسیار، سیاست بازتوزیع درآمد (کمک‌هزینه‌ی خانواده)، مسئولیت خارج کردن ۳۶ میلیون نفر از فقر مطلق،<sup>۱</sup> برنامه‌ی مسکن (خانه‌ی من، زندگی من) که بیش از ۴ میلیون مسکن کارگری<sup>۲</sup> ساخته است، افزایش حداقل دستمزد بالاتر از نرخ تورم، افزایش استخدام رسمی، کاهش نابرابری اجتماعی، و افزایش ثبت‌نام جوانان از مناطق پیرامون شهری در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی. بی‌شک، ارتقای حزب کارگران به قوه‌ی مجریه هم به موج ترقی‌خواهی مرتبط بود که در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ و اوایل دهه‌ی ۲۰۰۰ تمام امریکای‌لاتین را درهم نوردید، پیروزی‌هایی که پی‌آمدهای سیاست‌های نولیبرالی در سراسر قاره آن را به‌پیش راند.

اما، بیشتر انتقادات حول این واقعیت متمرکز است که حزب کارگران برای جلب حمایت از طبقات مختلف تصمیم سیاسی گرفت و اقدام‌های اجتماعی-اقتصادی را بدون دنبال کردن روندی برای آموزش سیاسی اکثریت بزرگ کارگران اجرا کرد. در نتیجه، این‌روندها برای افزایش سطح آگاهی طبقاتی در میان بخش‌های طبقه‌ی متوسط و طبقه‌ی کارگر شکست خورد. پی‌آمدهای این امر با کودتا علیه دیلما روسف رئیس‌جمهور پیشین از حزب کارگران در سال ۲۰۱۶ آشکارتر شد، که قادر نبود روی

<sup>۱</sup> Ministry of Social Development, 'Plano Brasil Sem Miséria'

<sup>۲</sup> Antunes, 'Minha casa perto do fim?'

روندی از مقاومت گسترده که قادر به واژگون کردن نتیجه‌ی مذاکرات برکناری باشد حساب کند. انتخاب دوسال بعد بولسونارو با ۵۷,۸ میلیون رأی (۵۵ درصد) این درس را بیشتر تقویت کرد.

**ایدا النا** به ما گفت «اگرچه سرمایه‌گذاری در کاهش نابرابری اجتماعی در برزیل در دولت‌های مترقی در این مدت مقام اول را کسب کرد، اما سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر در اولویت قرار نگرفت و در جامعه مبارزه‌ی ایدئولوژیکی هم وجود نداشت. وقتی که کودتا انجام شد، حزب کارگران نتوانست برکسانی که از سیاست‌های آن‌ها برخوردار شده بودند یعنی طبقه‌ی کارگر (برای جلوگیری از کودتا) تکیه کنند.» النا به ما گفت که پس از رفتن دیلما روسف از مقام ریاست‌جمهوری، طبقه‌ی کارگر حمله‌هایی را متحمل شد که برای تضعیف توانایی آن‌ها در بازگشت به مبارزه تلاش می‌کرد، مانند تضعیف حقوق کارگران و سازمان‌های سندیکایی کارگران. «از این رو ما فکر می‌کنیم که چپ برزیل شکست راهبردی (استراتژیک) را متحمل شده و همبستگی نیروها در جامعه‌ی مطلوب ما نیست.»

**کلی مافورت (MST)** باور دارد که شکست‌های پی‌درپی بسیاری که چپ برزیل متحمل شده است بر شکست راهبردی دلالت نمی‌کند، (شکست راهبردی زمانی رخ می‌دهد که یک بازیگر سیاسی دیگری طبقه‌ای را خنثی می‌کند. «ما قطعاً شکست‌های سیاسی بسیاری را انباشته‌ایم، اما طبقه‌ی کارگر هنوز زنده است و در برابر ضربه‌های بحران سرمایه مقاومت می‌کند.»

آخرین راهبرد موفقیت‌آمیزی که برای پیش‌برد منافع طبقه‌ی کارگر در برزیل مطرح شده بود راهبرد دموکراتیک مردمی (*estratégia Democrático-Popular*) بود. این راهبرد در مبارزه برای گذار دموکراتیک در پایان دیکتاتوری بومی-نظامی زاده شد و در کانون برآمد مبارزه‌ی توده‌ای در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ و ۸۰ مطرح شد.

**راهبرد دموکراتیک مردمی در سه باور استوار جای گرفته است:**

- ۱- این که توسعه‌ی سرمایه‌داری برزیل از انجام وظایف انقلاب بورژوازی (اصلاحات ارضی، نابرابری منطقه‌ای و اجتماعی، تحکیم نظم دموکراتیک و غیره) شکست خورده است.
- ۲- این که در ائتلاف با بورژوازی دموکراتیک نمی‌توان از عهده‌ی این کارها برآمد، بلکه رهبران هدایت‌کننده‌ی آن‌ها طبقه‌ی کارگر (کارگران شهر و روستا و دیگر بخش‌های استثمارشده از سوی سرمایه‌داری) هستند، و
- ۳- این که راه انجام این راهبرد پیوند نیروها با یک جنبش توده‌ای ترکیب‌شده با پیروزی‌های رسمی است که به سطح مقام ریاست جمهوری و انجام تعدادی از اصلاحات معرفی‌شده در داخل راهبرد دموکراتیک مردمی (علیه انحصارها، بزرگ‌زمین‌دارها، و امپریالیسم) می‌رسد.
- راهبرد دموکراتیک مردمی مرکب از دو تاکتیک بنیادی است: اول، برای به‌دست گرفتن کنترل نهادها با تحکیم قدرت در داخل نظام از طریق انتخابات شهرداری، ایالتی، و فدرال تلاش می‌کند. دوم، برای گردهم آوردن طبقه‌ی کارگر با اعتصاب‌ها، اشغال زمین‌ها، بسیج‌ها و مبارزه‌ی توده‌ای تلاش می‌کند.
- اما، **مافوریت** توضیح می‌دهد که، «همان زمان که راهبرد دموکراتیک مردمی مطرح شد، این راهکارها جداگانه رشد کردند، و راهبرد (کار از طریق) نهادها به‌تدریج بر (راهکار) بسیج طبقه‌ی کارگر غلبه کرد. با این رخداد، آن چه زمانی یک راهکار (تاکتیک) بود به راهبرد تبدیل شد، (این تغییر) منجر به آن شد که سازمان‌ها به‌کار در داخل ایالت برای ساختن قدرت سازمان‌ها اولویت دهند. به‌علاوه، رشته‌ای از رفتارهای غلط سیاسی هم وجود داشت که در ایجاد ترجیح بین دولت و ابزار سازمانی طبقه‌ی کارگر در دوران دولت‌های نوتوسعه‌گرای لولا و دیلما شکست خورد.»
- در امتداد همان خطاها، **جولیانو مدیروس (PSOL)** خاطرنشان می‌کند که تأیید نکردن شکست راهبردی که چشم‌انداز خود را به‌مدیریت کشور، قواعد بازی لیبرال دموکراتیک، (و) بهبود شرایط زندگی، اما بدون اصلاح‌های ساختاری محدود کرده‌است غیرممکن است. مدیروس توضیح داد که «بخشی از چپ ترویج تغییرات (از طریق) دولت را انتخاب کرد، که ارتباط آن را با بخش‌های طبقه‌ی کارگر تضعیف

کرد. اشکال جامعه‌پذیری که در روند دموکراتیزه کردن جامعه‌ی برزیل در دهه‌ی ۱۹۸۰ پدیدار شد با اشکال دیگری، که در ایدئولوژی نولیبرالی و فردگرایی ریشه دارند جایگزین شد. و این اتفاق افتاد چون چپ از سازماندهی روی زمین (جایی که مردم زندگی می‌کنند و اجتماعی می‌شوند) در راستای به‌راه انداختن مبارزه‌ای درست‌کارانه و ضروری از طریق نهادهای (دولتی) روی برگردند، اما این به دشمن اجازه داد این‌فضاها را اشغال کند. «خلاء قدرتی که مدیروس به‌آن اشاره می‌کند **ظهور راست افراطی** را مقدور کرده است. همان‌طور که **جان‌دیرا اوهارا** خاطر نشان می‌کند، ناتوانی بخش‌هایی از جناح چپ برای واکنش درست مانند «صاعقه‌ای از آسمان صاف» ضربه نزد بلکه، نتیجه‌ی نزدیک به سه دهه سیاست‌های سازش طبقاتی، نتیجه‌ی تضعیف برنامه (طبقه‌ی کارگر)، نتیجه‌ی برتری مبارزه‌های نهادی و انتخاباتی به‌دور از ساختن پایگاه، آموزش سیاسی، و مبارزه‌ی ایدئولوژیک طبقه‌ی کارگر بود.

چنان‌که خود رهبر اتحادیه خاطر نشان کرد، چنین شکستی تنها نتیجه‌ی اشتباه‌های چپ نیست، بلکه نتیجه‌ی تهاجم راست، به‌ویژه پیشگامی از سوی خروجی رسانه‌ها است. از زمان آغاز دولت‌های حزب کارگران، جریان مسلط رسانه‌ها حکایتی ساخته است که سیاست را در راستای جدا کردن جامعه از بحث‌های سیاسی به‌امری جنایی تبدیل می‌کند. این امر حزب کارگران به‌طور خاص و چپ به‌طور عام را به‌عنوان فاسد و تحت کنترل سیستم جنایی به تصویر می‌کشد.

**والریو آرکاری (PSOL)** درباره‌ی کوتاه‌نگری راهکاری چپ صحبت می‌کند، که «خطری که ما را تهدید می‌کند» ناچیز ارزیابی کرده است. **آرکاری** نتیجه‌های رخ داده‌هایی را فهرست کرد که در این مقوله جای می‌گیرند: «عملیات) کارواش<sup>۱</sup> ناچیز ارزیابی شد، که با مفهوم خلع‌ید و فرصت جنایی‌سازی چپ و لولا دنبال شد، سپس، خطر دستگیری لولا، بعد، در نهایت، تهدیدی که از سوی بولسونارو به‌نمایش درآمد. ناچیز ارزیابی کردن قدرت طبقه‌های دشمن کشنده بود.»

<sup>۱</sup> - پرونده‌ای تحت نام عملیات کارواش که سبب شد لولا داسیلوا رئیس‌جمهور برزیل تحت عنوان فساد مالی زندان شود.



آرکاری به اشتباه‌های تحلیلی پی‌درپی چپ برزیل در سال‌های اخیر، زمانی که راست تشدید تهاجم خود را آغاز کرد، اشاره می‌کند. به‌عنوان مثال، درک معنای **عملیات کارواش** برای بخش بزرگی از نیروهای مترقی زمان زیادی برد.<sup>۱</sup>

عملیات کارواش تلاشی تحت رهبری **سرجیو مورو**<sup>۲</sup> قاضی دادگاه بود که در سال ۲۰۱۴ به‌راه انداخته شد، که هدف آن تحقیق درباره‌ی گزارش‌های فساد بود که قرارداد‌های پتروبراس شرکت ملی انرژی برزیل با شرکت‌های بزرگ ساختمانی درگیر آن بودند. عملیات کارواش به‌طور عمده به‌ابزار سلب مشروعیت و انجام آزار سیاسی دیلما روسف و لولا رئیس‌جمهورهای برزیل تبدیل شد. هدف اصلی عملیات مقصر قلمداد کردن لولا، ولو با اتهام‌هایی بسیارمشکوک و بدون مدرک، بود. آن‌چه به‌قول معروف عملیاتی برای مبارزه با فساد بود به یک سری دادگاه‌های سیاسی تبدیل شد.

وقتی روندی که دیلما روسف را برکنار کرد آغاز شد، برخی بخش‌ها باور نمی‌کردند که چنین ابتکاری از سوی مجلس موفق شود. آن‌ها می‌گفتند که سیاست اقتصادی رئیس‌جمهور حزب کارگران در حال حاضر به‌سود طبقه‌ی حاکم است و بورژوازی نمی‌تواند به‌بی‌ثباتی سیاسی علاقه‌مند باشد.<sup>۳</sup>

سال‌ها بعد، دوباره، بسیاری باور نمی‌کردند که لولا رئیس‌جمهور پیشین دستگیرشود چون - همان‌طور که آن‌زمان می‌گفتند - راست باید از این که این زندانی کردن می‌تواند محرک قیام‌های طبقه‌ی کارگر شود بترسد. اما، وقتی که قاضی **سرجیو مورو** د سال ۲۰۱۷ حکمی را علیه لولا برای جلوگیری از شرکت لولا در انتخابات ریاست‌جمهوری صادر کرد، و زمانی که لولا نهایتاً در سال ۲۰۱۸ دستگیر شد، این امر اتفاق نیفتاد. سپس، زمانی که بولسونارو اعلام کرد که مایل است در

<sup>۱</sup> Tricontinental: Institute for Social Research, *Lula and The Battle for Democracy*.

<sup>۲</sup> -Sergio Moro

<sup>۳</sup> Tricontinental: Institute for Social Research, *Lula and The Battle for Democracy*.

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۸ شرکت کند، بسیاری، این‌گونه ارزیابی می‌کردند که حمایت از فرماندهی سابق نظامی برزیل نمی‌تواند بالاتر از ۸ درصد باشد. اما **بولسونارو** در دور اول انتخابات پیش افتاد و با ۵۵ درصد آرا در دور دوم در برابر **فرناندو حداد** از حزب کارگران پیروز شد.

در برابر این همه مانع، نفوذ قوی ایدئولوژی نولیبرالی، فردگرایی، و کارفرمایی در یک ایدئولوژی ضعیف‌شده هیچ رقیب جدی نمی‌یافت، که سازمان‌های آن‌ها به‌طور کلی مشخصه‌های ضدسرمایه‌داری و ضدامپریالیستی خود را رها کردند و ساختن پایگاه را به تأخیر انداختند، در عوض تلاش‌هایشان را به مبارزه‌های نهادی و انتخاباتی اختصاص دادند.

**جان‌دیرا اوهارا (CUT)** توضیح داد که چگونه زمینه‌ی مساعدی برای راست پدیدار شد تا بر طبقه‌ی کارگر، که اکثریتی از آن اساساً غیر سازمان‌یافته و تحت نفوذ دائمی اتحادیه‌ها نیستند، جنبش‌های مردمی، یا حزب‌های دست‌چپی، که ذره‌ذره مناطقی را (که زمانی مبارزه‌ی سیاسی خود را در آن‌جا سازمان می‌دادند) از دست داده بودند، در عوض مبارزه‌ی شرکتی و اقتصادی و نیز رقابت‌های انتخاباتی را در اولویت قرار داده بودند. در ضمن، ابزارهای جناح راست برای به‌راه انداختن مبارزه‌ی سیاسی و ایدئولوژیک در مناطقی ریشه دوانده‌اند که طبقه‌ی کارگر زندگی می‌کند.



برزیل سال ۲۰۲۱ را با سطح‌های بی‌سابقه‌ای از بیکاری آغاز کرد: ۱۴,۲۷۲ هزار نفر (۱۴,۲ درصد) طبق گزارش نمونه‌گیری ملی خانوار برزیل PNAD در این وضعیت قرار داشتند.

طرح از رافائل اولینتو 2020 Rafael Olinto

## تکرار تراژیک تاریخ

اندکی پس از بحران اقتصادی ۲۰۰۸، امریکا، با تلاش برای بازپس‌گیری سرکردگی و کنترل جهانی تهاجم نولیبرالی جدیدی را رهبری کرد. در این اثنا، در برزیل، ترکیب پیچیده و طبقاتی دولت‌های حزب کارگران قرار دادن خود تحت نفوذ راهبردهای امپریالیستی را آغاز کرد. دیگر حفظ مزایای بورژوازی بدون قطع حقوق کارگران امکان‌پذیر نبود. نقشه‌ی ایجاد گسست بین طبقه‌ی کارگر و دولت حزب کارگران که قدم به قدم طراحی شده بود، با دست‌های نامرئی امپریالیسم امریکا هدایت می‌شد.

در سال ۲۰۱۴، آئسیو نوس<sup>۱</sup> از حزب سوسیال‌دموکراسی برزیل (PSDB) در رقابت انتخاباتی به دیلما روسف باخت. پس از شکست در اجرای یک پروژه‌ی کاملاً آماده‌ی اجرای نولیبرالی از طریق روندهای انتخاباتی، بخش مسلط بورژوازی برزیل به دو راهکار متفاوت متوسل شد. اول، آن‌ها روند استیضاح علیه دیلما روسف را به‌راه انداختند، سپس، بعدتر، لولا را از شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری بازداشتند و از پیشنهاد ریاست‌جمهوری جابر بولسونارو حمایت کردند. بولسونارو شخصیتی اقتدارگرا با ویژگی‌های نوفاشیستی، تنها نامزدی بود که به نظر می‌رسید در انتخابات ۲۰۱۸ قادر به پیروزی بر حزب کارگران باشد.

اندکی پس از کودتایی که دیلما را برکنار کرد، اجرای یک برنامه‌ی موفق و قوی نولیبرالی و ریاضت اقتصادی برای از بین بردن پیروزی‌های به‌دست آمده در مسیر سیزده ساله‌ی دولت‌های حزب کارگر آغاز شد. دولت تضعیف شد، به بورژوازی برزیلی و جهانی اجازه‌ی غارت بخش بزرگی از منابع عمومی داده شد. کشور بی‌هیچ قید و شرطی با ایالات متحده در تمام امور بین‌المللی، مجامع و سازمان‌ها هم‌جهت شد و به‌صورت رسوایی درگیر کارزار بین‌المللی علیه ونزوئلا و روندهای انقلاب بولیواری شد.

<sup>۱</sup> -Aécio Neves

پنج‌سال پس از کودتا و دو سال پس از انتخاب بولسونارو، برزیل به عنوان یک جمهوری مستقل<sup>۱</sup> در بزرگ‌ترین تراژدی اقتصادی، سیاسی، محیط زیستی و بهداشتی در تاریخ خود غوطه‌ور شده است. سوءمدیریت بحران بهداشت دولت فدرال کشور را - در کنار هند - در ماه‌های مارس - آوریل ۲۰۲۱ به سمت تبدیل شدن به کانون بیماری همه‌گیر هدایت کرده است، آن‌هم در لحظه‌ای که کاهش انتقال ویروس در سطح جهانی آغاز شده بود. تقارن این بحران‌ها به صورت ژرفی روی بدتر شدن شرایط زندگی مردم اثر گذاشته و به افزایش گرسنگی و فقر و نیز انواع جدیدی از ویروس کرونا و فروپاشی نظام بهداشتی منجر شده است.<sup>۲</sup>

بیماری همه‌گیر رودرروی سیاست‌های قتل‌عام عمدی دولت بولسونارو تنها بدتر می‌شود. دولت هنوز اقدامی برای کنترل و مبارزه با ویروس نکرده است، که به صورت رشدیابنده‌ای تعداد مرگ افرادی را که مراقبتی از آن‌ها نمی‌شود افزایش می‌دهد. در نتیجه، راست‌لیبرال به آرامی و به تدریج حمایت خود را از دولت بازپس می‌گیرد.<sup>۳</sup> در حالی که ناراحتی‌هایی از سخنرانی‌های اقتدارگرایانه و شیوه‌های اتخاذشده برای مبارزه با بیماری همه‌گیر وجود دارد، اما راست‌کماکان پشتیبان اجرای برنامه‌ی افراطی نولیبرالی است که به کارگران و حقوق اجتماعی حمله می‌کند.

**جان‌دیرا (CUT)** توضیح می‌دهد « رواج ستیزه‌ی سیاسی بین راست افراطی و راست (لیبرال) سنتی به‌درستی در عدم‌توافق‌ها و تضادهایی ریشه دارد که برسر کنترل دستگاه رسمی و ساختاری است که دموکراسی موجود ما در برزیل را محدود می‌کند. این به‌ویژه درباره‌ی دادگاه عالی STF و دیگر دستگاه‌های سیستم دادگستری و کنگره‌ی ملی مصداق دارد. این اتحاد حول برنامه‌ی نولیبرالی یکی از ستون‌های ارتجاعی قتل‌عامی دولت بولسونارو است. ارتش و پایگاه حمایت مردمی بولسونارو، که تاحد زیادی در داخل کلیساهای اونجلیسی بنا شده‌اند، دو ستون دیگر

<sup>۱</sup> Antunes, 'Dois anos de desgoverno'

<sup>۲</sup> Castro, Regina. 'Observatório Covid-19 aponta maior colapso sanitário e hospitalar da história do Brasil'.

<sup>۳</sup> *BBC News Brasil* 'Na íntegra: o que diz a dura carta de banqueiros e economistas com críticas a Bolsonaro e propostas para pandemia'.

حمایت (از بولسونارو) هستند.» او استدلال می‌کند که برای بخش زیادی از راست، بولسونارو به‌خودی‌خود نمایشگر پایان نیست، بلکه تنها «یکی از ابزارهای اجرای سیاست‌های لیبرالی افراطی» است.

**والریو آرکاری**، علاوه بر حمایت بخش بزرگی از بورژوازی محلی توجه را به چهار ستون دیگر حمایت از بولسونارو جلب می‌کند:

- حمایت باورنکردنی تقریباً یک‌سوم جمعیت برزیل، حتی در میان هرج‌ومرج بهداشتی<sup>۱</sup> از بولسونارو
- تأثیر تضعیف روحیه‌ی ناشی از تجربه‌های انباشته از شکست‌های طبقه‌ی کارگر
- ضعف بدیل‌های موجود در برابر بولسونارو، و
- خود بیماری‌همه‌گیر، که محدودیت‌هایی را بر توانایی بسیج طبقه‌ی کارگر تحمیل می‌کند.

**جولیانو مدیروس (PSOL)** به‌ما گفت، طیف سیاسی جاری برزیل، تقریباً متشکل از چهار بخش گسترده است: راست افراطی، راست لیبرال، چپ - میانه و چپ. «کدام یک از این بخش‌ها کماکان یک پروژه (سیاسی) را دنبال می‌کنند؟ دقیقاً چپ میانه و راست لیبرال. بحران دموکراسی تقویت و تشدید شده است.»

در عین حال کلی مافورت اعتقاد دارد که ستیزه‌ی اصلی بین چپ و راست افراطی جریان دارد، چون راست لیبرال نفوذ خود را از دست داده است. اکنون، بزرگ‌ترین مشکل راست لیبرال یافتن رهبر سیاسی است که بتواند با مردم ارتباط برقرار کند. اما، او یادآوری می‌کند که «همیشه به یادآوردن آن که راست افراطی و راست (لیبرال) دو روی یک سکه، یعنی طبقه‌ی بورژوا، هستند اهمیت دارد. ما باید با مشروعیت برگرفته از طبقه‌ی کارگر قاطعانه با سرمایه مخالفت کنیم.»

<sup>۱</sup> *Folha de S.Paulo*, 'Intacta, base de Bolsonaro pensa como o presidente na pandemia, mostra Datafolha'.



آن‌طور که پژوهشی از سوی دانشگاه میشیگان و بنیاد کتولیو وارگاس نشان می‌دهد، در آغاز همه‌گیری کشور امریکای لاتینی برزیل، به‌سبب ساختار ملی نظام بهداشتی دارای بهترین شرایط برای مقابله با کووید-۱۹ بود. اما دولت عامدانه نظام بهداشتی را تحریم کرد.

طرح از: ماتئوس میگوئل Matheus Miguel 2020

### جبهه‌ای گسترده در برابر جبهه‌ی چپ

**والریو آرکاری** می‌گوید که در میان فروپاشی نظام بهداشتی شرایط عینی برای سرنگونی بولسونارو کاملاً آماده است چون این شرایط پیش‌تر شروع به پوسیدگی کرده و سریع‌تر از شرایط ذهنی رشد می‌کند. اما مناقشه‌ای برای سرکردگی بین بخش‌هایی که با دولت راست افراطی مخالفت می‌کنند، بین چپ و راست لیبرال وجود دارد. به اعتقاد آرکاری «تجربه‌ی صد سال مبارزه علیه راست افراطی، به‌ویژه

زمانی که راست افراطی با جریانی با مشخصه‌های فاشیستی رهبری می‌شود، نشان می‌دهد که یک جبهه‌ی گسترده‌ی چپ بهترین راهکار است.» نه از آن‌رو که چپ مایل نیست برای مبارزه علیه راست افراطی به نیروهای راست لیبرال بپیوندد، «بلکه به‌خاطر آن که راست لیبرال می‌ترسد، و به‌حق هم، که بحران اجتماعی می‌تواند سرآغازی برای یک دولت چپ فراهم آورد.»

برای **جان‌دیرا اوهارا (CUT)**، شعار «اخراج بولسونارو» می‌تواند بخش‌هایی درمیان چپ و راست - میانه (راست لیبرال) را با بدتر شدن بحران گردهم بیاورد. اما یک ائتلاف جبهه‌ای گسترده که تمام این مخالفین با تهاجم فاشیستی کنونی را گرد هم می‌آورد - مورد دفاع بخش‌هایی از چپ و چپ-میانه - به‌نظر او، می‌تواند این نیروها را به‌تأیید رویکرد دومرحله‌ای برای روندهای اجتماعی - تاریخی هدایت کند. این رویکرد می‌تواند مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک را از مبارزه برای دفاع از حقوق و حق حاکمیت ملی جدا کند. اوهارا پیش‌بینی می‌کند که اگر این رویکرد غالب شود، چپ به‌گروگان راست لیبرال تبدیل خواهد شد و حتی واژگونی برنامه‌ی نولیبرالی اجرا شده در سال‌های اخیر را دشوارتر می‌سازد. «به‌نظر ما، امکان پایان‌دادن به (این برنامه) بدون گسست (کامل) از آن وجود ندارد، و زمانی که بهای پرداختی حفظ مردم در وضعیتی محروم، تحت قاعده‌ی بهره‌کشی شدید، و تقویت تعمیق نابرابری در برزیلی فرمانبردار در پیرامون سرمایه‌داری باشد هیچ اتحادملی‌ای وجود نخواهد داشت.

این‌نگاه مخالف راهکاری است که **گلیزی هوفمان (PT)** ترسیم کرده که اعتقاد دارد در برابر بحران تجربه‌شده در برزیل، یک ائتلاف سیاسی گسترده لازم است، «نه الزاماً یک (ائتلاف) انتخاباتی، (بلکه) کنار هم جمع کردن تمام بخش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که برای واکنش، کمک‌های فوری، و مشاغل مبارزه می‌کنند، و نیز کسانی که برای شکست بولسونارو تحت شعار "اخراج بولسونارو" پیکار می‌کنند.» این تفسیر بیشتر در خط تحلیل‌های **الیدا النا (UNE)** است که از ترکیب دو جبهه حمایت می‌کند: یک جبهه‌ی مردمی چپ و یک جبهه‌ی دموکراتیک. «درس بنیادی... (در این‌جا) آن است که مسئله‌ی دموکراتیک با مسئله‌ی اجتماعی، که در

نتیجه‌ی بحرانِ شدید سرمایه‌داری برانگیخته شده به‌هم تنیده است. موضوع آن دفاع از دموکراسی است، ولو این‌که یک دموکراسی روبه زوال، چون این مناسب‌ترین محمل برای راه‌اندازی یک مبارزه‌ی سیاسی است. که برای اجتناب از تشکیل یک کشور پلیسی یا حتی رژیم سیاسی فاشیستی، که شرایط برای مبارزه طبقه‌ی کارگر و سازمان‌دهی می‌تواند اساساً مساعد نباشد ضروری است» این می‌تواند به‌معنای ساختن جبهه‌ای دموکراتیک و کنار هم گردآوردن بخش‌های مختلف جامعه برای دفاع از دموکراسی و برای فرسایش، منزوی کردن و شکست نوفاشیسم باشد.

**النا** اعتقاد دارد که ادامه‌ی ایجاد و تقویت جبهه‌ی چپ طبقه‌ی کارگر، با منشی راهبردی، برای جمع‌کردن نیروها به‌منظور برون‌رفت دموکراتیک و مردمی از بحران ضروری است. این جبهه مستلزم دفاع از حقوق اجتماعی مردم، پیکار سیاه‌پوستان علیه نژادپرستی و علیه تمام سرکوب‌های تاریخی که طبقه‌ی کارگر برزیل را تضعیف کرده و نبرد بی‌امان علیه سیاست نولیبرالی پائولو گوئدس<sup>۱</sup> (وزیر اقتصاد) است. هم جبهه‌ی مردمی برزیل *Frente Brasil Popular* و هم جبهه‌ی مردم بدون هراس *Frente Povo Sem Medo* در سال ۲۰۱۵ تشکیل شدند، که هرکدام از آن‌ها ده‌ها سازمان سیاسی چپ را متحد می‌کنند. جبهه‌ی مردمی برزیل در نوع خود گسترده‌تر و بر تقویت حزب‌های سیاسی متمرکز است، درحالی‌که جبهه‌ی مردم بی‌ترس به‌طور خاص از جنبش‌های اجتماعی و کارگری ساخته شده است. این دو جبهه برای ساختن طرح سیاسی و طرحی برای ملت ضروری هستند. هر دو جبهه در سازمان‌دادن طبقه‌ی کارگر و ایجاد اتحاد با چپ-میانه در مبارزه با اصلاح‌های نولیبرالی نقش مهمی بازی کرده‌اند.

همان‌طور که کلی مافورت خاطر نشان می‌کند، صرف‌نظر از آن‌که کدام راهکار مورد استفاده قرار می‌گیرد، برسر نیاز به ساختن مسیرهایی برای حرکت به‌جلوتر و حرکت در چارچوب واقعیت‌های موجود وحدت‌نظر وجود دارد. او می‌گوید که MST، تاکنون تلاش‌هایش را روی ساختمان اتحاد حول برنامه‌ی سیاسی و چشم‌انداز خود متمرکز نکرده است «چون برآورد ما آن است که انجام این کار در زمان نزول

<sup>۱</sup> - Paulo Guedes'



پیکار توده‌ای می‌تواند به اشتباه‌هایی ناشی از چشم‌اندازهای افراطی دانشگاهی یا اشتباه‌هایی ناشی از مبارزه برسر سرکردگی منجر شود، که به‌طور کلی به پیشرفت مبارزه‌ی طبقاتی کمکی نخواهد کرد. از این‌رو، ما تلاش می‌کنیم در ساختن اتحاد حول مطالبات سیاسی، که همیشه به‌عنوان زمین‌هایی برای صورت‌بندی‌های ما واقعیت دارند، درگیر شویم.»

همان‌طور که در نمونه‌ی سه مطالبه‌ی کلیدی: دست‌رسی مردم به واکسن، کمک‌های اضطراری ۶۰۰ رئال برزیلی ماهانه، و برکناری بولسونارو آشکار است، اتحاد حول مطالبات سیاسی فوری‌تر در بین چپ برزیل اتحاد عمل ایجاد کرده است.

**کلی مافورت (MST)** گفت، «ما در لحظه‌ی تأمل سیاسی زندگی می‌کنیم، به‌نحوی که می‌توانیم طراحی راهبردی را اصلاح کنیم، و این رودررو شدن با چندپارگی در میان جنبش‌ها و سازمان‌های اجتماعی و چپ و نیز رودررویی با مبارزه برسر سرکردگی و تمرکز بیش از اندازه بر راهکارها بر سر راهبرد بلندمدت را دربر می‌گیرد. هدف ما ایجاد اتحاد حول موضوع‌های کلیدی در عین پروا شدن تجربه‌هایی است که می‌تواند ما را به دانش سیاسی جمعی، و آمادگی برای مبارزه‌های تهاجمی‌تر مجهز سازد.»

بی‌تردید، دستیابی به اتحاد چالشی طولانی‌مدت و ضرورتی تاریخی برای چپ به‌طور کلی بوده است. در این زمینه، الیدا النا (UNE) اعتقاد دارد که چندپارگی چپ هزینه‌ی گرانی برایش خواهد داشت. این چندپارگی می‌تواند به دو سناریو منجر شود: از یک‌سو، پیروزی انتخاباتی برای بولسونارو و طلوع شتابنده‌ی فاشیسم در جامعه‌ی ما، از سوی دیگر، تشکیل یک بدیل راست لیبرال، که به برنامه‌ی اقتصادی نولیبرالی ادامه خواهد داد.



تنها بیش از ۶۸ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ ماهانه ۶۰۰ رئال برزیل کمک اضطراری دریافت کرده‌اند. در سال ۲۰۲۱، این کمک کوچک‌تر شده و در چهار قسط پرداخت خواهد شد که برحسب خانواده از ۱۵۰ رئال برزیل تا ۳۷۵ رئال برزیل محدود می‌شود.

Adriano Vespa - ۲۰۲۱ - طرح از آدریانو وسپا

## ساختن پایگاه

با وجود حضور چپ در بیشتر سازمان‌های جهانی چپ، بخش‌های مترقی در برزیل - کشور پائولو فریره، که در سال ۲۰۲۱ صد سالگی او فرا خواهد رسید - سال‌ها برای تحکیم، تقویت و ایجاد پایگاهی مبارزه کرده است که قادر به اعتمادزایی دوباره بین توده‌ها و تغییر همبستگی نیروها در جامعه باشد. با این حال، در عمل تمام بخش‌های چپ توافق دارند که دستیابی دوباره به درکی از ساختن پایگاه، در کنار راهاندازی مبارزه‌ای ایدئولوژیک و فعالیت به‌شیوه‌ای پایدارتر در محیط‌های پیرامونی راهبرد ضروری است. در دستور روز بازسازی قدرت در میان مردم، شکست

بولسوناریسم، و ایجاد اصلاح‌های ساختاری در مسیر تسخیر قدرت، این امر عنصر مرکزی تلقی می‌شود.

به‌گفته‌ی والریو آرکاری (PSOL)، فعال‌ترین بخش‌های پایگاه‌اجتماعی چپ قوی‌تر می‌شوند. «تغییر در آگاهی توده‌ها برای رضایت آن‌ها برای مبارزه، برای روح آن‌ها، قدرت اخلاقی، و اعتماد به نفس‌شان کلیدی است. قبل از آن که مواضع طبقاتی را بتوان تغییر داد، لازم است آگاهی را دگرگون ساخت. وقتی چیزی به‌ظاهر غیرممکن اتفاق می‌افتد، شگفتی فرامی‌رسد و انتظارات افزایش می‌یابد.»

الیدا النا (UNE) یادآوری می‌کند که «برای آماده‌شدن برای این لحظه، ما به‌ساختن راهکار دفاع فعال ادامه می‌دهیم که هدف آن حفظ مواضع و در عین حال ایجاد شرایطی برای پیشرفت به‌موضعی تهاجمی است. امروز وظیفه‌ی ما منزوی کردن، فرسودن، و شکست بولسوناریسم است. گسترش پیوستگی با طبقه‌ی کارگر اساسی است. برای انجام این کار، به‌عنوان راهی برای گسترش مقاومت بر سیاست‌های همبستگی تکیه می‌کنیم.»

همه چیز همواره مهیا نیست، از این رو الیدا النا (UNE) برخی از واقعیت‌هایی را که ساختن پایگاه در پیرامون را دشوارتر می‌کند خاطر نشان می‌سازد. دانستن آن‌ها در راستای توان‌مندی برای پیشرفت در قدرت‌یابی در مناطق طبقه‌ی کارگر بنیادی است. از جمله‌ی این واقعیت‌ها جرایم سازمان‌یافته است، که روشمندی ساخت پایگاه را دشوار می‌کند، گسترش کلیساهای نئوپروتستانی، که بر مبنای چشم‌اندازی محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند و می‌توانند پاسخ‌هایی برای شرایط زندگی مادی مردم فراهم آورند، و شرایط زندگی بسیار آسیب‌پذیر در پیرامون، که نبرد برای بقای روزانه را مقدم بر سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر قرار می‌دهد. به‌این چالش‌ها از دست‌رفتن استقلال کارگران، ماهیت به‌طور فزاینده ناپایدار کار، از کارافتادن ابزارهای طبقه‌ی کارگر برای سازمان‌دهی، لغو حقوق (اجتماعی)، و افزایش جدایی بر محور اجتماعی، نژادی و جنسی را باید اضافه کرد.

با بدتر شدن شرایط زیست طبقه‌ی کارگر، بخشی از چپ تصمیم گرفت برای مبارزه با همه‌گیری ویروس کرونا و نیز همه‌گیری گرسنگی به اقداماتی برای همبستگی

دست‌زند، و ساختن پایگاه را باردیگر از سرگیرد. در ابتکارهای همبستگی بی‌شماری، مانند سازمان‌دادن آشپزخانه‌های اجتماعی، جمع‌آوری غذا، بسته‌های بهداشت فردی، ماسک، و خون، کنشگران دست‌به‌کار شدند. یکی از این اقدام‌ها که به نام «زندگی‌های پیرامونی» *Periferia Viva* معروف شد، پلتفرمی است که جنبش‌های متعدد طبقه‌ی کارگر را برای ایجاد همبستگی طبقاتی فراهم می‌آورد. در «زندگی‌های پیرامونی» کنش‌های همبستگی، با کار ایجاد پایگاه درهم می‌آمیزد که دربردارنده‌ی ایجاد روابط اندام‌وار بین خانوارها، از طریق «کارگزاران اجتماعی» است. روش برنامه‌ی «کارگزاران اجتماعی» آموزش دادن افراد جامعه است تا در اقدام‌های همبستگی مشارکت کنند، «کارگزاران» با مجموعه‌ای از خانوارها، با این هدف که این افراد در مکان‌های مسکونی خود فعالیت خواهند کرد و مسئول شماری از خانوارها خواهند شد کار می‌کنند. این «کارگزارها» برای تأمین بهداشت، غذا و نیز تضمین رعایت حقوق اجتماعی تلاش می‌کنند، که (به نوبه‌ی خود) کمک‌های مشارکتی و دوجانبه را پرورش می‌دهد. الیدا النا (UNE) توضیح می‌دهد که «ما سیاست‌های همبستگی را به‌عنوان یکی از راهبردهای دارای اولویت برای ایجاد روزبه‌روز پایگاه در محیط پیرامونی درک می‌کنیم که پاسخ سیاسی مهمی به‌ترکیبی از رخدادهایی است که در آن زندگی می‌کنیم و بخشی از رویکرد راهکار دفاع فعال است، این سیاست پاسخ‌های مشخصی به پیش‌روی‌های نولیبرالیسم عرضه می‌کند.»



برزیل سال ۲۰۲۱ را با تعداد جمعیت فقیر بیشتری نسبت به یک دهه قبل در سال ۲۰۱۱ آغاز کرد، و اکنون براساس بنیاد گتوئیلو وارگاس، ۲۷ میلیون نفر (۱۲٫۸ درصد جمعیت) ماهانه با کم‌تر از ۲۴۶ رئال برزیل زندگی می‌کنند (۸،۲۰ رئال در روز)  
 طرح: رودریگودیا ۲۰۲۱

## بازگشت لولا به سیاست

بین ماه‌های مارس و آوریل، دادگاه عالی دو دادخواست در دفاع از لولا رئیس‌جمهور سابق را تأیید کرد که حقوق سیاسی سلب شده از او در سال ۲۰۱۸ را اعاده می‌کند. یکی از این درخواست‌ها ثابت می‌کند که سرجیو مورو قاضی پیشین فدرال حوزه‌ی قضایی برای محاکمه فاقد مدارکی بود که نشان دهد لولا متهم است،

از این رو تمام محکومیت‌ها علیه رئیس‌جمهور سابق لغو می‌شود. در دادخواست دیگر، دادگاه عالی تأیید کرد که حکم مورو علیه لولا، که به زندانی شدن او به مدت ۵۸۰ روز منجر شده بود، غرض‌ورزانه بود. بنابراین احتمال دارد تحولات جدیدی در این موارد وجود داشته باشد (اما بعید است)، همان‌طور که معلوم است، ورود لولا به سیاست‌های انتخاباتی صحنه‌ی سیاسی را در برزیل تغییر می‌دهد و پرسشی را مطرح می‌کند: چه چیزی سبب این تصمیم‌های دادگاه عالی شد، آیا دادگاه عالی، از آغاز تا آن مرحله، همدست عملیات کارواش بوده است؟

صرف‌نظر از آن‌که چه چیزی سبب این تصمیم‌ها شد، بدون تردید بخشی از راست لیبرال بار دیگر در جستجوی راهی برای خروج از بحران جاری است. اگرچه احکام اخیر نتیجه‌ی بسیج‌های طبقه‌ی کارگر نبوده است، اما تلاش‌های چپ برزیل برای احیای حقوق سیاسی لولا باید مورد تأیید قرار گیرد. گلیزی هوفمان (PT) خاطرنشان می‌کند که احیای حقوق سیاسی لولا اراده‌ی بخش ترقی‌خواه را برای گردهم آمدن برای مقابله با راست افراطی و بخش‌های راست لیبرال افزایش داد. او گفت: «(لولا) یک رهبر سیاسی است که مناسب‌ترین فرد برای ساختن این (اتحاد) است. اکنون او دیگر از لحاظ قانونی (برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری) منعی ندارد، که (این امر) توانایی او را برای بسیج و سازمان‌دهی افزایش می‌دهد.»

**کلی مافورت (MST)** اعتقاد دارد، بازگشت لولا به بازی سیاسی «خواه با نفوذ روی رفتار بولسونارو، با شرم‌نده کردن او، خواه با رهبری هماهنگی سیاسی با سران دیگر کشورهایی که ممکن است در مقابل فاجعه‌ی جاری بیماری همه‌گیر به برزیل کمک کنند پی‌آمدهای بی‌درنگی دارد. عامل لولا نفوذ عظیمی را روی چپ برزیل اعمال می‌کند. فوریت وضعیت کنونی از او می‌خواهد تا در حل مشکلات برزیل به‌رهبری خود ادامه دهد، هم‌چنین به‌اصرار کنشگران برای انجام کار ساختن پایگاه، گسترش اقدام‌های همبستگی، و مقابله با بولسوناریسم (که در بین طبقه‌ی کارگر نفوذ می‌کند کمک می‌کند.»

از نظر **والریو آرکاری (PSOL)** اگرچه ما هنوز در وضعیتی ارتجاعی زندگی می‌کنیم که موضعی دفاعی را می‌طلبد، اما امکان ریاست‌جمهوری لولا در سال ۲۰۲۲

موازنه‌ی نیروهای سیاسی را در برزیل تغییر داده است. این نشانگر بزرگ‌ترین پیروزی سیاسی دموکراتیک در پنج سال گذشته است. او توضیح می‌دهد «لولا از این اعتبار برخوردار است که قدرتمندترین نام در چپ برای پیروزی در انتخابات است. در وضعیت بحران بهداشتی و رکود اقتصادی، این امر ارتقای سطح مقاومت را امکان‌پذیر می‌کند.» اکنون که لولا به‌بازی بازمی‌گردد، همه چیز تغییر می‌کند ما نمی‌توانیم سکوت کنیم یا منتظر ۲۰۲۲ باشیم تا به نیاز برای واکسن و کمک‌های اضطراری برای همه زیر شعار «کنار گذاشتن بولسونارو» پاسخ دهیم. ما یک‌سال و نیم از انتخابات ۲۰۲۲ فاصله داریم. پیکار برای (ایجاد) دولت جناح چپ باید در مرکز راهبرد باشد. ما به چپی نیاز داریم که گرایش طبیعی به قدرت دارد.» آرکاری اضافه می‌کند، اما معین کردن پیشاپیش نامزدها در یک‌سال‌ونیم دیگر در سطح ملی و ایالتی چالش اکنون ما نیست.

الیدا النا (UNE) تأیید می‌کند که چپ برای درگیر کردن طبقه‌ی کارگر و لایه‌های طبقه‌ی متوسط در گفت‌وگو، نفوذ اجتماعی، و طرح مطالبه‌هایی مانند واکسن و کمک اضطراری برای همه و شعارهایی مانند «اخراج بولسونارو» در پیکارهای توده‌ای در حال نبرد بوده است. بازگشت لولا ممکن است این سناریو را تغییر دهد، اما این که این بازگشت روی پیکار طبقاتی چقدر تأثیر خواهد گذاشت هنوز نامعلوم است. «بدیهی است ما به‌دلیل بیماری همه‌گیر محدودیت‌هایی داریم، اما بر کنش‌هایی تکیه می‌کنیم که منش نمادین‌تری دارند. با لولا، طنین درخواست‌های سیاسی ما در بین توده‌ها تغییر می‌کند. رقابت انتخاباتی ۲۰۲۲ نبردی کلیدی برای کل چپ برزیل است، ما باید برای شکست بولسونارو از قبل در بین مردم ایجاد قدرت کنیم. ما این توانایی را تنها در صورتی خواهیم داشت که در عمل حول برنامه‌ای متحد شویم که قادر است راه چپ‌گرایانه‌ای را برای خروج از این بحران نشان دهد.»



« توجه: جهت جدید». تجدید صلاحیت لولا برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری، که در سال ۲۰۱۸ از وی سلب شده بود، به‌طور بالقوه کل صحنه‌ی سیاسی برزیل را تغییر می‌دهد.  
 طرح از کریستیانو سیکوئیرا-۲۰۱۹ Cristiano Siqueira

## ملاحظات پایانی

نخستین نتیجه‌ای که می‌توانیم از تحلیل‌های ارائه‌شده در این پرونده درباره‌ی چالش‌های چپ برزیل بگیریم این است که دولت بولسونارو احتمالاً با ابتکارهای پارلمانی نمی‌تواند به راحتی برکنار شود. در صورت بدتر شدن بحران اقتصادی، یک امکان، اگرچه غیرمحمتم، برای طبقه‌های بورژوا که به روی کار آمدن بولسانورو کمک کردند می‌تواند برکناری او از ریاست‌جمهوری باشد. امکان محتمل‌تر، اما، آن است که



بورژوازی بولسونارو را بی‌درنگ برکنار نکند، اما، به شیوه‌ای برای کنترل روندهای سیاسی تلاش کند که وقتی او را برکنار کردند، بتواند سازوکار بدیلی را برای حفظ کنترل بر کشور حفظ کند.

بخش‌های ترقی‌خواه اعتقاد ندارند که وقتی شرایط بهداشتی به‌دنبال گسترش‌انبوه واکسن‌ها بهبود یافت، به موازات رشد نارضایی در بین مردم برسر اقدام‌های دولت فدرال، ما در سراسر کشور شاهد بسیج‌های کارگری درمقیاسی بزرگ‌تر خواهیم بود. در عین حال امکان دارد برای برخی بخش‌های جامعه، کماکان بولسونارو شخصیت مقبولی باشد، اما پیش‌بینی می‌کنند که حمایت مردمی او رو به فرسایش خواهد گذاشت.

اما، تفاوت نظرهایی در زمینه‌ی بهترین راهکار برای ایجاد وحدت وجود دارد. برخی از ایجاد جبهه‌ی گسترده‌ای برای مقابله با بولسوناریسم طرف‌داری می‌کنند که می‌تواند تمام بخش‌های جامعه را که برای دموکراسی محدودشده‌ی برزیل به پا می‌خیزد گردهم آورد. دیگران به‌امکان ترکیب دو جبهه اعتقاد دارند: جبهه‌ای گسترده و نیز یک جبهه‌ی چپ، که قادر به اتخاذ رویکردی ساختاری و انتقادی باشد. جریان سوم سیاسی هم وجود دارد که تنها به ایجاد یک جبهه‌ی چپ باور دارد. برخی از آن‌رو که اعتقاد دارند غیرممکن است بخش‌هایی از بورژوازی موافق پیوستن به این جبهه‌ی گسترده باشند، چون راست لیبرال با پیوستن به این ابتکار موافقت نخواهد کرد. برخی دیگر از آن‌رو که اعتقاد دارند ظهور دو جبهه نشانگر یک دوگانگی کاذب است، چون بین مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک و نبرد برای حقوق و استقلال ملی نمی‌تواند جدایی وجود داشته باشد.

با وجود تفاوت چشم‌اندازها درباره‌ی این که کدام راهکار باید پذیرفته شود، این درک مشترک وجود دارد که تنها یک مقابله‌ی قدرتمند اجتماعی، سیاسی و مردمی قادر خواهد بود برای خلع‌ید بولسونارو به کنگره‌ی ملی فشار وارد کند. حتی اگر بولسانورو خلع‌ید نشود، این امر می‌تواند بازهم بستر سیاسی متفاوتی برای انتخابات ۲۰۲۲ و امکان‌های جدیدی برای پیش‌رفت مبارزه‌ی سیاسی ایجاد کند.

آن‌طور که الیدا النا (UNE) خاطرنشان می‌کند، در هر صورت، قطعاً در کوتاه‌مدت راه برون‌رفت از این بحران پدیدار نخواهد شد، و به مقاومتی درازمدت نیاز خواهد بود. «اصلاحات نولیبرالی عمیقاً روی جامعه‌ی برزیل اثر گذاشته است، در این بستراسست که ما باید از خودمان بخواهیم تا درباره‌ی چالش‌هایی که با آن رودررو هستیم فکر کنیم. به همین دلیل، در ادامه، ما چالش‌های اصلی چپ برزیل را که در تمامی این پرونده معرفی کردیم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، صورت‌بندی کرده‌ایم.

### چالش‌های کوتاه‌مدت

- برکناری بولسونارو
- دستیابی به وحدت در عمل
- دفاع از مناطقی که با مبارزه سازمان‌دهی و امن شده بودند: جامعه‌های بومی، مناطق کنارگذاشته شده از اصلاحات ارضی، جوامع کویلوبولا <sup>1</sup> Quilombola، و فضاهای مقاومت در مناطق شهری
- درخواست واکسن فوری برای همه
- درخواست بازگشت کمک‌های اضطراری با پرداخت ماهانه ۶۰۰

### رنال برزیل

### چالش‌های میان‌مدت

- تعمیق و گسترش کار ایجاد پایگاه با تأمین نیازهای ضروری مردم، با رهنمودهای سیاست‌های همبستگی
- تبدیل این نیازها به خواسته‌های پیکار خود
- ایجاد روندهایی برای مشروعیت بخشیدن به قدرت مردم
- آموزش سیاسی

---

<sup>1</sup> کویلوبولاها جامعه‌های روستایی هستند که اساساً سیاه‌پوستانی که به برزیل مستعمره برده بودند به‌عنوان محل سکونت و مهاجرت نباشد. امروز، بسیاری از جامعه‌های کویلوبولا برای به‌رسمیت شناخته‌شدن مبارزه می‌کنند و برای حق بر سرزمین‌هایشان می‌جنگند.

- از سرگرفتن پیکارهای توده‌ای (اگرچه اکنون آمدن به خیابان‌ها امکان پذیر نیست، شرایط از سرگیری پیکار باید طی زمان با ترکیب نیازهای فوری با مبارزه‌ی سیاسی گسترده‌تر ایجاد شود).

- ترویج برنامه‌ای به‌واقع تغییردهنده در داخل چپ برزیل به‌نظر جان‌دیرا اوهارا (CUT)، «برای این‌که یک راه‌حل دموکراتیک، مردمی موفق شود، ایجاد بنیان‌های مشخصی برای همبستگی و اتحاد بین بخش‌های مختلف چپ ضروری است. ما در سال ۲۰۲۱، باید برای ارتقای مبارزه و بسیج از طریق حزب‌ها، اتحادیه‌ها، جنبش‌های کارگری، جبهه‌ی مردمی برزیل و جبهه‌ی مردم بی‌هراس راه‌هایی را پیدا کنیم. در این روند، در راستای رودرو شدن با سال ۲۰۲۲ و سال‌های بعد از آن ما باید به راهبردها، راهکارها، و برنامه‌ها متعهد باشد.»

جولیانو مدیروس (PSOL) اعتقاد دارد که «ما با تغییر تاریخی عظیم تناسب (نیرو)ها رودرو هستیم. چراکه فرصت به‌هم پیوستن راهبردی جدید، به‌راه انداختن نبردی همه‌جانبه علیه نخبگان، (برای عملی کردن) تغییرات عمیق، حضور دیگرباره‌ی چپ در مناطق (زیست مردم) و قدرتی به‌شکل ریشه‌ای دموکراتیک، داریم. ما یا با تغییرات زمانه‌ی خود تغییر می‌کنیم یا از روی نقشه محو خواهیم شد.»

اگرچه در لحظه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن باید درحال تدافعی باقی بمانیم، اما به‌نظر می‌رسد پنجره‌ی تاریخ در همه‌جا به صورت گسترده‌ای باز باشد، شعله‌ور شدن لحظه‌ای جدید در بسترسیاسی جاری ما. از این‌رو، این‌که چپ بولسونارو را شکست دهد، و در راهکارها و برنامه‌اش اتحاد ایجاد کند، تا قادر به آماده کردن پاسخ‌ها و امید برای مردم برزیل باشد (ضرورتی) بنیادی است. پیوند دوباره با طبقه‌ی کارگر در راستای توان فراخوانی دوباره‌ی پیکارهای توده‌ای، امکان‌پذیر کردن رقابت و سرکردگی در بین بخش‌های طبقه‌ی کارگر حیاتی است. بیش از همیشه، ضروری است از نبردهای پیشین درس بگیریم و این درس‌ها را نوسازی کنیم تا آن‌که قدرت به‌راستی در دست‌های مردم - تنها نیروی توانمند برای شکست دادن دشمن‌های طبقاتی - قرار داده شود.



از آغاز سال ۲۰۲۱، دولت بولسونارو به آرامی رو به زوال است. کنشگران چپ نسبت به سال قبل مصمم‌تر درگیر مبارزه هستند، که می‌تواند جرقه‌ی دورانی از بسیج‌های گسترده تر را در سال آینده روشن کند

طرح از تینیچیا ریبریو ۲۰۱۹ Letícia Ribeiro

## منابع

Antunes, L. *Minha casa perto do fim?* [‘My House Near the End?’] Uol, Rio de Janeiro, Nov. 2019. <https://economia.uol.com.br/reportagens-especiais/minha-casa-minha-vida-dez-anos/>.

Antunes, R. *Dois anos de desgoverno – a política da caverna* [‘Two Years of Misgovernment: The Politics of the Cave’]. *A terra é redonda*, Feb. 2021. <http://www.ihu.unisinos.br/78->

**noticias/607160-dois-anos-de-desgoverno-a-politica-da-caverna-artigo-de-ricardo-antunes.**

Castro, Regina. 'Observatório Covid-19 aponta maior colapso sanitário e hospitalar da história do Brasil' ['COVID-19 Observatory Points to the Biggest Healthcare and Hospital Collapse in Brazil's History'], *Agência Fiocruz de Notícias*, 16 March 2021, **<https://agencia.fiocruz.br/observatorio-covid-19-aponta-maior-colapso-sanitario-e-hospitalar-da-historia-do-brasil>**

'Intacta, base de Bolsonaro pensa como o presidente na pandemia, mostra Datafolha' ['Bolsonaro's Base Remains Unblemished and Thinks Like The President during the Pandemic, Datafolha shows'], *Folha de S.Paulo*, March 2021, **<https://www1.folha.uol.com.br/poder/2021/03/intacta-base-de-bolsonaro-pensa-como-o-presidente-na-pandemia-mostra-datafolha.shtml>**

Ministry of Social Development. *Plano Brasil Sem Miséria, Cadernos de Resultados* ['Brazil Without Extreme Poverty Plan, Books of Results']. 2015. **[https://www.mds.gov.br/webarquivos/publicacao/brasil\\_s\\_em\\_miseria/cadernodegraficosbsm-35anos.pdf](https://www.mds.gov.br/webarquivos/publicacao/brasil_s_em_miseria/cadernodegraficosbsm-35anos.pdf)**

'Na íntegra: o que diz a dura carta de banqueiros e economistas com críticas a Bolsonaro e propostas para pandemia' ['Read the Full Harsh Letter from Bankers and Economists Criticising Bolsonaro and Proposed Actions for the Pandemic'], *BBC News Brasil*, 21 March 2021, **<https://www.bbc.com/portuguese/brasil-56485687>**

Tricontinental: Institute for Social Research. *Lula and The Battle for Democracy*. Dossier 5, June 2018. **<https://thetricontinental.org/lula-and-the-battle-for-democracy/>**

پیوند با منبع اصلی:

**<https://thetricontinental.org/dossier-40-brazils-left/>**